

تصویری که سعی شده در ذهن ما از خودکفایی ایجاد شود؛ تصویر زیبا و مدینه فاضله ای است که تمام تلاش خود و مملکت را ممکن است بخواهیم در آن جهت و در جهت حصول به این امر بکار گیریم . آیا واقعا رسیدن به خود کفایی در تمام زمینه ها لازم است؟ آیا اصولا چنین امکانی وجود دارد؟ چگونه است که برخی کشورهای اروپایی با وجود داشتن پتانسیل لازم برخی تولیدات را کنار گذاشته و وارد کننده آن شده اند؟ بعنوان مثال کشور ایتالیا (و شاید اکثر کشورهای اروپایی) چندین سال است که تولید فولاد معمولی را کنار گذاشته و آن را در برخی موارد وارد می کند . این کشور صرفا در زمینه تولید فولادهای آلیاژی که ارزش افزوده بالایی دارد فعالیت می کند . واحد های نسبتا کوچکی که به تولید این نوع فولاد مشغولند (به نقل از یکی از مدیران تولید ایتالیایی)

در کشور ما تلاش و سعی ما این است که همه چیز را خودمان تولید کنیم از گندم و جو گرفته تا اتومبیل و تانک و مسلسل و موشک و سد و انرژی هسته ای و دانش پزشکی و... اصولا آیا واقعا امکان دارد در همه این زمینه ها کار کرد؟ آیا مملکت ما پتانسیل و دانش و امکان کار در تمام یابین زمینه ها را می دهد؟ اولیتهای کدام است؟ واقعا خودکفایی امروزه در جهان چگونه است؟ آنان چه می کنند؟ چرا جشن خود کفایی نمیگیرند؟ و چرا برای ما این امر اینقدر مهم شده است؟ هزاران سؤال در این مورد وجود دارد.

دنیا و اروپا چگونه عمل کرده است؟ اگر بعنوان مسافر وارد یک کشور اروپایی بشوید اصلا مرز و محدوده ای بین دو کشور (و البته برخی کشورها) نمیتوانید ببینید. شاید بیشتر مشابه شهر های یک کشور کنار هم است تا کشورهای دیگر . مرزی وجود ندارد همه چیز یکی شده است . شما در یک کشور دیگر از آن مجموعه کشورها خارجی حساب نمیشوید و این یعنی استفاده از مزایای همدیگر و تقویت همدیگر . چگونه است که اینان به این مرحله رسیده اند؟ انگیزه شان چه بوده است؟ شاید بتوان نگاهی به این اتحاد و پیوستگی داشت . میتوان با دو دید به این مسئله نگاه کرد :

### نگاه اول نگرش بدبینانه :

گرگها در سرمای شدید دور هم حلقه می زنند و همگی آنها سعی میکنند در یک حلقه و چسبیده بهم و روبروی هم قرار گیرند . کسی در این حلقه پشت به دیگری نمی کند تا خدای ناکرده از غفلت او استفاده نکرده و به او حمله نکنند . با نگرش بدبینانه اگر کشورها را مشابه گرگها ببینیم ؛ میتوان دید که کشورهای جهان هم کنار هم ایستاده اند تا لا اقل از همزیستی هم استفاده کنند . اگر شکار می روند دسته جمعی می روند تا قدرتشان با هم جمع شود اگر هیچ کاری برای هم (والیته نه بخاطر همدیگر) نتوانند بکنند لا اقل سعی می کنند همدیگر را گرم کنند و اینگونه راز بقا و پیشرفت را یافته اند .

### نگاه دوم نگرش معمول :

یک تعدادی کشور که میدانند میتوانند با هم زندگی کنند و با هم معاشرت داشته باشند ؛ به آن درجه از فرهنگ رسیده اند که با هم تعامل داشته باشند و با هم همکاری کنند ؛ گرد هم آمده اند و در کنار هم و با هم دارند پیش می روند . خط مرزها و حد و حدود و توان هر یک مشخص است سعی کرده اند مقابل کشورهای بزرگ مثل آمریکا

با هم متحد باشند و البته با آمریکا نیز دشمنی نمیکنند چون سودی از این دشمنی نمیبرند و اینگونه و در سایه این اتحاد توانسته اند پیش بروند و همدیگر را تقویت کنند.  
در هر حال و با هر نگرش وضعیت اینگونه است :

- مسافرت به کشورهای همدیگر مشابه مسافرت به شهری دیگر در داخل یک کشور است . راحت میتوانید سوار انواع وسیله نقلیه شده و بدون معطلی و گمرک و مدرک و شناسایی و ... از کشوری به کشور دیگر بروید
- واحد پولشان یکی است بنا بر این نیاز به تغییر پول ندارید
- امکانات و سیستمهایشان مشابه هم است شما اگر در یک کشور امکانی را می بینید همان امکان را در کشور دیگر هم می بینید
- نیاز به هیچ نوع مدارک خاصی ندارید همین کارت ملی خودتان کافی است
- راهنمایی ها و امکانات اطلاعاتی فراوان است و در دسترس و زبانها تقریباً نزدیک هم
- و ...

با این حساب شما میتوانید مثلاً تجهیزاتی داشته باشید که سرویسکار آن در یک کشور دیگر باشد و شما نگران این نباشید که نکند زمان بروز مشکل من معطل شوم .

با یک تلفن مشابه ما که در ایران پیترزا سفارش می دهیم می توانند سفارش کالا از یک کشور دیگر بدهند . سعی کرده اند با گرد هم آمدن و استفاده از امکانات هم بتوانند به آنجایی که میخواهند برسند . یکی ممکن است نیروی کار ارزان داشته باشد آن دیگری منابع ؛ آن دیگری تخصص و ... با تبادل با یکدیگر کارایی را بالا می برند

شرکت اوراکل شعاری دارد که در آن عنوان شده

- Think Globally to make The right Decision
- Work Globally to be more productive

دیگر کشور مطرح نیست اگر جنسی تولید می شود برای همه جاست و اگر کار میکنند هم سعی میکنند خود را محدود به منابع داخلی نکنند.

با این حساب آیا نیاز به خودکفایی دارند؟ آیا سعی میکنند همه چیز را داخل کشور خودشان تولید کنند؟ زمانیکه میدانند هر آنچه را از دیگری نیاز داشته باشند در دسترس است و هیچ مانع و محدوده و بازرسی و روالهای اداری مانع کار نیست چه مشکلی دارند و سرمایه گذار چرا باید نیروی خود و سرمایه اش را محدود به داخل نماید.  
هر یک نقاط قوت و توانایی ها و برتریهای خود را شناسایی کرده و به تقویت آن می پردازد آن را پرورش میدهد سعی نمیکند یک دیوار آهنین دور خود بکشند و همه چیز را خود داشته باشند بلکه سعی میکنند تواناییهایش را داشته باشد و در جهت حفظ این برتری و رشد آن کوشا باشد.

یک محیط و روابط دوستانه و مسالمت آمیز برای هم درست کرده اند و در سایه همین محیط خوب با امنیت و آرامش و آسایش خیال و آسودگی به پیشرفت و سازندگی ادامه میدهند. هر روز صبح بجای لعن و نفرین و هتک حرمت و تهمت به همدیگر کلاه از سر برداشته به همدیگر سلام میکنند(ولو ظاهری) اصولاً دانش امروز امکان داشتن همه چیز را نمیدهد و برای یک کشور امکان ندارد و به صرفه نیست در تمام زمینه ها خودکفا باشد

هیچگاه سعی نمیکند کشور همدیگر را لعن و نفرین کنند و بهمدیگر خط و نشان بکشند و اذیت را می دانند و با هم مسالمت آمیز و در صلح و صفا زندگی میکنند

### اما در مملکت ما :

اول از همه بر تمام کشورها مرگ می فرستیم . برخیها را علنی و شعاری و برخی دیگر را درونی و عملی . البته هستند کشورهایی که به آنها مرگ نمیگوئیم اینها هم اصلاً کشور نیستند بیشتر قبیله اند و طایفه و با اقتصاد ضعیف و فرهنگ پائین.

چرا انتظار داریم ما به یک کشور مرگ بفرستیم و بعد فلان خبر گزارى وابسته به آن از ما حمایت کند . دشمن دانستن همه کشورهای جهان و آرزوی مرگ آنان یکی از کارهای ماست . ما به هیچ کشوری درود نمی فرستیم (البته کشوری که سرش به تنش بیارزد)

با طلوع صبح اول از همه و گاهی وقتها پیش از بسم ... گفتن چند تا لعن و نفرین نثار این و آن می کنیم و با خاطری مشوش و جنجالی و نا آرام و نگران و در انتظار تلافی دشمن روز را شروع می کنیم . بدیهی است هر کشوری منافع خودش را اولویت می دهد این نه جهان خواری است نه سلطه طلبی تنها و تنها میل به پیشرفت است .

این نگرش یعنی دشمن دانستن همه ما را ناچار می کند که بیاندیشیم که باید همه چیز را خودمان تولید کنیم و این همان پایه و اساس خودکفایی در همه زمینه ها را بر می انگیزد. اینکه هر کشوری سعی کند به بی نیازی مطلق برسد شاید وضعیت ایده آلی باشد . اما این طرز فکر بر این اساس استوار است که خود آن کشور دارای جمیع علوم و تو آوری است و سایر کشورها نو آوری نداشته و نخواهند توانست به پای این کشور برسند . این طرز فکر اشتباهی است زیرا که امروزه تکنولوژی و علم چنان گسترده شده که امکان ندارد یک کشور بتواند در تمام زمینه ها خود کفا شده و درها را به روی خود ببندد.

امروزه بجای خودکفایی هر کشوری سعی می کند نقاط قوت را شناسایی کرده و در آن زمینه ها سعی میشود برتری حاصل شده و سپس برای جبران نقاط ضعف به ارتباط و تعامل و استفاده از امکانات دیگر کشورها متکی شوند. و این میسر نمیشود مگر اینکه در ذهنمان بیاید که همه کشورها خونخوار و جانی و متجاوز نیستند.